گزارش

راه‌های کنترل گرمایش جهانی و تغییر اقلیم

ترجمه: سودابه جراره

هیچ راه‌حل مجردی برای تغییر اقلیم و گرمایش جهانی وجود ندارد. راه اساسی همان کاهش انتشار دی‌اکسیدکربن، متان و اکسید نیتروژن به اتمسفر است که از چند طریق به دست می‌آید. البته روش‌ها متناسب با قاره و کشور فرق می‌کند ولی به‌طور کلی روش‌های زیر در کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای که عامل اصلی تغییر اقلیم و گرمایش جهانی است بسیار موثر هستند. تکنولوژی و روش‌های زیر اگر رعایت شود تا اواسط این قرن باید حداقل ۸۰ درصد انتشار این گازها را کاهش دهد.

افزایش بهره‌وری انرژی: انرژی برای تولید نیرو، گرما و سرمای خانه‌ها، تجارت و صنایع ما استفاده می‌شود. این انرژی بزرگترین عامل گرمایش جهانی است. تکنولوژی‌های بهره‌وری انرژی به ما این اجازه را می‌دهد که از انرژی کمتری برای رسیدن به بخش بالای خدمات و افزایش تولید محصولات استفاده کنیم. این روش پتانسیل وسیعی در حفظ انرژی و ثروت ملی هر کشور دارد و می‌تواند به سرعت توسعه پیدا کند.

حمل و نقل سبز: انتشار گازهای گلخانه‌ای از بخش حمل‌ونقل به سرعت در حال افزایش است. در این راستا انواع متفاوتی از راه‌حل‌ها موجود است مثل بهبود بهره‌وری (مایل در هر گالن) در همه انواع سیستم حمل و نقل، استفاده از سوخت‌های کم‌کربن یا تولیدکننده مقدار کم کربن و کاهش استفاده از وسایل نقلیه شخصی در مسافرت‌های طولانی و افزایش بهره‌وری سیستم حمل‌ونقل عمومی. استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر: منابع انرژی تجدیدپذیر مثل انرژی خورشیدی، بادی، زمین، گرمایی و زیست انرژی در سراسر جهان موجود است. مطالعات زیادی نشان داده است که انرژی تجدیدپذیر پتانسیل بالایی در برطرف کردن قسمت اعظمی از نیاز ما به انرژی دارد. تکنولوژی‌های استفاده از انرژی‌های قابل تجدید در برخی از کشورهای توسعه‌یافته دنیا به‌ویژه در اروپا و آمریکا به سرعت در حال رشد است و مزیت این منابع این است که هم مقرون به صرفه هستند و هم در حالی که از آلودگی‌های محیط‌زیستی می‌کاهند در افزایش اشتغال بسیار موثر هستند.

توقف تدریجی سوخت‌های فسیلی: کاهش قابل ملاحظه مصرف سوخت‌های فسیلی به‌ویژه ذغال سنگ به منظور کنترل تغییر اقلیم بسیار ضروری و حیاتی است. راه‌های بسیاری برای رسیدن به این هدف وجود دارد. مراحل کلیدی این فرآیند شامل این موارد هستند: نساختن ایستگاه‌های نیرویی که با سوخت ذغال سنگ کار می‌کنند، آغاز خاموش کردن یا توقف مرحله به مرحله همه نیروگاه‌های سوخت ذغال‌سنگ از قدیمی‌ترین و آلوده‌ترین آنها، و گرفتن و ذخیره کردن کربن انتشاریافته از نیروگاه‌ها. مانند پروژه‌های ذخیره کربن در زیر زمین که در برخی از نقاط دنیا در حال پیشرفت است. البته این پروژه به دام انداختن کربن و ذخیره آن در زیرزمین هنوز خیلی در مقیاس بزرگ توسعه پیدا نکرده است و ایمن بودن و دایمی بودن آن ثابت نشده است، اما نشان داده شده است که در دیگر زمینه‌ها مثل بازیابی نفت و گاز طبیعی این روش می‌تواند مثبت باشد.

مدیریت درست جنگل‌ها و کشاورزی: جنگل‌زدایی مناطق گرمسیری و حاره‌ای و انتشار گازهای گلخانه‌ای از عملیات کشاورزی نزدیک ۳۰ درصد گرمایش جهانی را نمایندگی می‌کند. ما می‌توانیم با کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای از جنگل‌تراشی و تأمین محصولات غذایی مورد نیازمان به صورت پایدار با گرمایش جهانی مبارزه کنیم. به عبارتی با حفظ جنگل‌ها و عملیات کشاورزی پایدار می‌توانیم اثر گازهای گلخانه‌ای را کاهش دهیم. بررسی انرژی هسته‌ای: سال‌هاست انرژی هسته‌ای به‌عنوان جایگزین مناسبی برای سوخت‌های فسیلی معرفی شده است و ثابت شده برای مهار گرمایش جهانی خیلی می‌تواند موثر باشد اما همیشه امنیت آن مورد سوال است. فاجعه فوکوشیما در ژاپن گویای همین عدم امنیت کافی برای جان انسان‌ها و محیط‌زیست است.

اطمینان از طرح‌های توسعه پایدار: کشورهای دنیا از توسعه‌یافته‌ترین تا کم‌توسعه‌یافته‌ترین کشورها به صورت خیلی برجسته‌ای در سهمشان از مشکلات تغییر اقلیم و در مسئولیت‌ها و قابلیتشان در کنترل آن همه با هم سهیم هستند. یعنی همه دنیا باید در مسیر توسعه پایدار و همسو با حفظ محیط‌زیست گام بردارند و هر یک به نوبه خود سهمی در کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای دارند. یکی از این راه‌های موفقیت‌آمیز مبارزه با گرمایش جهانی و تغییر اقلیم تأمین اعتبارات مالی از سوی کشورهای ثروتمند به کشورهای فقیر است تا به آنها کمک شود که به سمت توسعه سوخت‌های کم‌کربن گام بردارند.

بنابراین حرکت به سمت روش‌های فوق باعث می‌شود این پدیده تغییر اقلیم و گرمایش جهانی در درازمدت افت پیدا کند. مسأله اصلی این است که تمام کشورهای دنیا این عزم را داشته باشند تا از سوخت‌های فسیلی یا انرژی‌های غیرقابل تجدید کمتر استفاده کنند. در این بین نقش کشورهای قدرتمند و توسعه‌یافته در کمک به کشورهای در حال توسعه به منظور مبارزه با تغییر اقلیم بسیار بارز خواهد بود. اگر بازار سرمایه‌داری و تجارت پرسرعت جهانی بگذارد که این جابه‌جایی از سوخت‌های فسیلی به سمت انرژی‌های قابل تجدید اتفاق بیفتد.

منبع: www.climatehotmap.com

عضو هیأت علمی دانشگاه تهران نسبت به عدم‌همکاری دولت و مردم در مقابله با تغییر اقلیم هشدار داد

سال‌های سختی را پیش رو خواهیم داشت

شهروند| ایران، امسال، تابستان داغی را پشت‌سر گذاشت. آن‌قدر داغ که امان ایرانی‌ها را برید. روزهای سخت و دشواری بود که نوید روزها و سال‌های سخت‌تر و دشوارتر را می‌دهد چرا که ایران بار دیگر به یک دوره خشکسالی وارد شده و این‌بار به مدت ۳۰ سال. از هم‌اکنون مسئولان کشور فرصت دارند تا ایران را از سقوط به ورطه‌ای هولناک و تاریک برهانند. با دکتر حسین آخانی که دکترای گیاه‌شناسی را از دانشگاه مونیخ آلمان اخذ کرده و اکنون به‌عنوان عضو هیأت علمی دانشکده علوم دانشگاه تهران یکی از پرکارترین فعالان محیط‌زیست کشور است درباره تغییر اقلیم در ایران و سال‌های خطرناکی که در انتظارمان است و کارهایی که باید انجام دهیم، گفت‌وگو کردیم.

عکس: تسنیم/ احسان کمالی

وی ضمن بیان این مطلب که تغییر اقلیم در ایران بحث جدیدی نیست، گفت: ما دارای اقلیم قاره‌ای هستیم و از این‌رو حتی در یک‌سال هم می‌توانیم تغییر اقلیم داشته باشیم. علاوه بر این تغییر اقلیم در دنیا هم اتفاق افتاده که مهم‌ترین نمونه‌اش بحث گرمایش کره‌زمین است. متاسفانه ایران به مقدار زیادی تحت‌تأثیر گرمایش جهانی زمین قرار گرفته است چون آسیب‌پذیرتر هستیم. از طرفی یک سری فعل‌وانفعالاتی در خورشید اتفاق افتاده که دست‌به‌دست هم دادند و شرایط ایران را وخیم‌تر کرده است.

این استاد دانشگاه کم‌آبی را یکی از تبعات تغییر اقلیم دانست و گفت: میزان بارندگی در ایران یک‌چهارم متوسط جهانی است. به همین دلیل منابع آبی در کشور ما منابع محدودی هستند و ما در مدیریت کشورمان و در برنامه‌ریزی برای توسعه باید دقت کنیم که باید منطبق با این میزان کم‌آب عمل کنیم. به همین دلیل باید چند کار اساسی انجام دهیم و اشتباهات گذشته را جبران کنیم.

آخانی اولین اقدام در راستای مقابله با کم‌آبی و تغییر اقلیم را در تغییر نگاه مدیریتی کشور دانست و عنوان کرد: ما بیشتر نگاه سخت‌افزاری به مدیریت منابع آبی‌مان داشتیم تا نگاه سخت‌افزاری. چون آگاه نبودیم که سابق بر این همین آب‌های کم را طبیعت به خوبی مدیریت می‌کرد ولی از زمانی که وزارت نیرو و شرکت‌های سدسازی در مملکتمان شروع به کار کردند عملا مهندسی طبیعت را ویران کردند و نتیجه بنا به گفته خود وزیر نیرو آن شد که آبی پشت سدها نباشد و شریان حیاتی کشور هم قطع شود و آب‌های زیرزمینی نابود شوند و نتیجه‌اش خشک شدن دریاچه ارومیه، بختگان، بهارلو، پریشان و تالاب‌های متعدد شود.

این فعال محیط‌زیست دومین اشتباه را در تغییر نسبت جمعیتی کشور معرفی کرد و معتقد است: بعد از انقلاب حرکت عظیمی را به سوی شهرنشینی داشتیم و تعادل ۷۰ درصد روستایی و ۳۰ درصد شهری به‌طور کل تغییر کرد و برعکس شد. این افزایش شهرنشینی باعث شد نیازمان به مصرف آب هم بیشتر شود. علاوه بر این آبی که برای کشاورزی مصرف می‌شود نیز افزایش یافته. چون جمعیت شهرنشین به‌عنوان مصرف‌کننده افزایش یافته کشاورز هم مجبور است محصول بیشتری تولید کند و برای این تولید بیشتر باید آب بیشتری مصرف کند.

حسین آخانی سومین اشتباه را در احداث صنایع در مناطق خشک عنوان کرد: مثلا احداث کارخانه ذوب‌آهن در اصفهان کار اشتباهی بود یا در اراک. این همه کارخانه نیاز به آب زیادی دارند و مجبور شدیم برای تأمین آب این کارخانه‌ها از رودخانه‌ها و منابع آبی زیرزمینی استفاده کنیم و وضع را به شرایط کنونی رساندیم.

این استاد دانشگاه سپس از تأثیر این اشتباهات بر تغییر اقلیم در کشور گفت: دانشمندان علم اکولوژی و اقلیم‌شناسی توانستند اثبات کنند بالارفتن میزان CO_2 در کره‌زمین باعث شده گازهای گلخانه‌ای افزایش یابد و دمای جهانی هم بالا برود اما دخالت انسان‌ها نیز تأثیر داشته است. مثلا ما آمدیم در نظام هیدرولوژیکی کشور دخالت کردیم. حدود ۷۰۰ سد بزرگ و هزار سد کوچک به بهانه آبخیزداری در کشور ساخته شد. یعنی سدها، کلیه شریان حیاتی کشور که همان رودخانه‌ها باشند و به طبیعت آب می‌رسانند را قطع کردند. نتیجه این قطع کردن، فقیر شدن پوشش گیاهی کشور بود. وقتی پوشش گیاهی در کشوری فقیر می‌شود دمای منطقه‌ای افزایش می‌یابد.

سالی سخت و خشک در انتظارمان است

در بین مردم این عقیده اکنون رواج‌یافته که اگر تابستان امسال این اندازه داغ بوده پس زمستان خشک و بی‌بارانی خواهیم داشت. دکتر آخانی در این باره گفت: اقلیم در ایران به دلیل قاره‌ای بودن غیرقابل پیش‌بینی است و نمی‌توان به درستی و به راحتی پیش‌بینی کرد که زمستان امسال چگونه خواهد بود اما ما در تاریخ‌مان حتی نمونه داشتیم که قومی به جهت خشکسالی از سرزمینشان کوچ کردند. پس خشکسالی چیز جدیدی در این کشور نیست اما مدیران ما نسبت به این خطر آگاه نبودند. متاسفانه مدیران ما با حساسیت‌های اقلیمی ایران به‌عنوان یک کشور خشک آشنا نبودند و به همین دلیل یکسری پروژه‌های اشتباه تعریف کردند و به‌دنبال ایرانی بودند که توسعه‌اش مبتنی بر ظرفیت‌های ژاپن و اروپا بود و نه یک کشور خشک. توسعه در یک کشور خشک نیاز به دانش بومی همان کشور دارد و ما این دانش را داشتیم و از آن غفلت کردیم. نمونه‌اش قنات‌ها هستند که چندهزار سال جزو دانش بومی ایرانی محسوب می‌شوند اما در این سال‌های اخیر به‌طور کل به دست فراموشی سپرده شدند، بنابراین اگرچه نمی‌توان زمستان امسال را پیش‌بینی کرد اما می‌توان قاطعانه گفت که سال‌های سختی را پیش‌رو خواهیم‌داشت.

دولت و معضل تغییر اقلیم

از او می‌پرسم که وقتی وضع این‌قدر حساس می‌شود تمام نگاه‌ها به سمت دولت می‌رود، آیا دولت نسبت به این معضل خطرناک حساس شده است؟ آخانی در پاسخ اظهار داشت: صداهایی که بعضا از دولت به گوش می‌رسد نشان از حساسیت دولتمردان دارد. اما متاسفانه مشکل ما در دولت این است که تکنوکرات‌هایی که سهمی در منافع طرح‌های عمرانی دارند نه در این دولت که در تمام دولت‌ها نفوذ بسیار زیادی دارند. مثلا وزیر نیروی دولت یازدهم به اشتباه در سدسازی معترف و معترض است اما بازهم در دوره وزارت همین وزیر ۱۲۰ میلیارد تومان پول اختصاص داده می‌شود به ساختن سد در گلمندره که دره‌ای است خشک که حتی یک قطره آب هم ندارد. خب این نوع رفتار متضاد مشکوک است. امیدوارم در دولت نگاه عوض شود و جلوی آنهایی که در سدسازی منتفع‌هستند، گرفته‌شود.

وی همچنین در پاسخ به این سوال که آیا مردم هم نسبت به پدیده تغییر اقلیم حساس شده‌اند، گفت: دولت همواره می‌تواند مردم را با خود همراه کند یعنی وقتی دولت از مردم می‌خواهد که در مصرف آب صرفه‌جویی کنند باید به شهرداری هم دستور بدهد که شیرهای آب را برای آبرسانی به چمن‌ها و پارک‌ها ببندند. منزل شخصی ما کنار برج میلاد است من نمی‌توانم به بچه‌ام بگویم که شیر آب را کم باز کند اما بچه‌ام هر روز ببیند که فواره‌های برج میلاد ۲۴ ساعته باز هستند و دارند آب را هدر می‌دهند، دولت باید جلوی ساخت تراکم در تهران را بگیرد. دولت باید جلوی صنایعی را که آب زیاد مصرف می‌کنند و CO_2 زیاد تولید می‌کنند بگیرد. دولت باید قاطعانه عمل کند تا مردم هم دولت را باور کنند. اگر این اطمینان شکل نگیرد ما سال‌های خطرناکی را به لحاظ کم‌آبی و خشکسالی و تغییر اقلیم در پی خواهیم‌داشت و نمی‌توانیم با آن مقابله کنیم. آخانی در پایان درباره آینده اقلیمی ایران گفت: ما همکاری داریم به نام آقای دکتر کرمی که در دانشگاه نروژ تدریس می‌کنند. ایشان اخیرا عنوان کرده بودند که ما با خطر پدیده‌ای به نام سومالی شدن ایران روبه‌رو هستیم. یعنی اگر همین منوال ادامه یابد و مسئولان کاری نکنند ایران تبدیل به یک کشور خشک و سوزان آفریقایی خواهد شد و مردمش از گرسنگی دست به مهاجرت‌های عظیم خواهند زد. ما مشابه این نظر را در گفتار آقای عیسی کلانتری، رئیس کمیته احیای دریاچه ارومیه می‌بینیم که گفته بودند در ۲۰ سال آینده، نیازی به حمله آمریکا و اسراییل نخواهد بود و ایران با این سیاست مصرف منابع زیرزمینی آب و تغییر اقلیم خود به خود نابود خواهد شد. پس اگر دیر بجنبیم آینده بسیار غم‌انگیزی خواهیم‌داشت.

محمد درویش، مدیرکل دفتر آموزش و مشارکت مردمی سازمان محیط زیست:

تهدید واقعی نابخردی مدیریتی در مقابله با تغییر اقلیم است

تغییر اقلیم کشورمان را در گفت و گو با محمد درویش کارشناس محیط زیست ومدیرکل دفتر آموزش و مشارکت مردمی سازمان محیط زیست بررسی کرده‌ایم.

آیا ما در ایران نشانه‌های تغییر اقلیم را می‌توانیم مشاهده کنیم و اثرات آن چقدر محسوس است؟

آثار آن کاملا در ایران مشخص است. الان بیش از یک دهه است که ما می‌توانیم آثار محسوس تغییر اقلیم و جهان گرمایی را در کشورمان احساس کنیم. بسیاری از روندها مثل ریزش‌های آسمانی از سمت برف به سمت باران در حال تغییر است. همچنین میانگین دما در حال افزایش است یا تفاوت دمای شب و روز افزایش پیدا کرده است. در کنار این‌ها تفاوت دمای کمینه و بیشینه در بسیاری از استان‌های کشور ما به طرز محسوسی در حال افزایش است. این‌ها همه نشان‌دهنده این است که کشور ما دارد به سمت خشکی و گرمی حرکت می‌کند.

آیا این خشکسالی رایج در کشور ما ناشی از همین پدیده است؟

خشکسالی پدیده کاملا طبیعی برای سرزمینی است که در عرض ۳۵ درجه جغرافیایی نیمکره شمالی قرار دارد. اگر به تاریخ ایران رجوع کنید از زبان رهبران تاریخی این کشور مثل داریوش دعاهای مختلفی شنیده می‌شد مبنی بر این که خدا این کشور را از گزند خشکسالی نجات دهد. بنابراین خشکسالی همیشه با تاریخ کشور ما عجین بوده است. منتها یک زمانی ایرانیان متناسب با قوانین طبیعی چیدمان توسعه خود را طراحی می‌کردند یعنی می‌رفتند به سمت استفاده از کاریزها و قنات‌ها و همچنین استفاده از آب مازاد طبیعی در سفره‌های آب زیرزمینی موجود. اما وقتی به ابزارهای مختلف تجهیز شدند دیگر قوانین طبیعی را در چیدمان توسعه خود رعایت نکردند و بی‌مهابا توسعه را گسترش دادند. و کشوری که حداکثر می‌توانست تا ۱۰ میلیون هکتار از وسعت اراضی‌اش را به کشاورزی اختصاص دهد این رقم را به دوبرابر افزایش داد. همچنین ما صنایعی را مستقر کردیم که به هیچ عنوان با اکولوژی این کشور سازگار نیستند. این موارد سبب شد که ما علاوه بر خشکسالی طبیعی با یک خشکسالی دیگر که به مراتب مهم‌تر است به نام خشکسالی مدیریتی روبه‌رو شویم. یعنی الان آن چیزی که دارد کشور را تهدید می‌کند خشکسالی مدیریتی یا نابخردی مدیریتی است که سبب می‌شود ما به جای این که از مزیت‌های طبیعی خودمان و پتانسیل‌های طبیعی این کشور در حوزه تقویت توریست، یا اقتصاد انرژی‌های نو یا در حوزه استفاده از مرز ۴۶۰۰ کیلومتری آبی حرکت کنیم و ترانزیت و تجارت را به‌عنوان دست بالا بگیریم، رفتیم به سمت تبدیل کشور به سرزمینی که تمام محصولات غذایی خودش را تأمین کند یا این‌که در حوزه صنعت به خودکفایی برسد و این باعث شده که ما بیش از ۸۵ درصد اندوخته‌های آبی خود را استفاده کنیم و این بزرگترین بحران را برای نسل امروز و فردا به ارمغان آورده است. هیچ‌گاه در هیچ شرایطی نباید اجازه دهیم که بیش از ۴۰ درصد از منابع آبی مورد استفاده قرار گیرد، ولی ما تا ۸۵ درصد استفاده کردیم.

دولت چه کارهایی می‌تواند و باید انجام دهد تا این پدیده روبه‌شدت را کنترل کند؟

چندین کار را ما باید به‌صورت همزمان انجام دهیم. یکی این که برویم به سمت تزریق دانایی و آموزش برای مردم، دانشجویان، دانش‌آموزان و برای مدیران و طبقه تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر که متوجه اهمیت قضیه شوند. یادمان نرفته در آستانه انتخابات مجلس هشتم وقتی خبرنگاران از رهبران گروه‌های سیاسی می‌پرسیدند که شما برای بحث تغییر اقلیم و Global Warming چه برنامه و طرحی دارید، همین‌طور به چشم خبرنگاران با تعجب نگاه می‌کردند و می‌گفتند تغییر اقلیم... گرمایش جهانی... یعنی چه!!! و وقتی در مورد آن به آنها توضیح داده می‌شد آن‌ها جواب می‌دادند این چه ربطی به انتخابات دارد. یعنی ما چنین مسئولان و نمایندگانی داشتیم که از موضوع خبر نداشتند و این که چنین بی‌تفاوتی در بالاترین سطح وجود دارد، مشخص است که در برابر این پدیده نمی‌توان برنامه‌ریزی صورت گیرد. ما هنوز یک تحقیق جامع در مورد پهنه‌بندی حساسیت کشور به موضوع تغییر اقلیم انجام ندادیم. هنوز نمی‌دانیم که آسیب‌پذیری کدام یک از استان‌های ما نسبت به فرآیند تغییر اقلیم بیشتر است. هنوز نمی‌دانیم چه سهمی از خشکی زاگرس ناشی از تغییر اقلیم است، چه سهمی ناشی از ریزگردهاست و چه سهمی ناشی از فشار دام و کشاورزی است. بنابراین خیلی از پژوهش‌های بنیادی که باید در این ۲۰ سال انجام می‌شد به دلیل بی‌توجهی دولت‌ها صورت نگرفت. چرا انجام نشد چون مردمی که نماینده‌های خودشان را به مجلس فرستادند برایشان مسائل محیط‌زیست جدی نبوده است. ما داریم در کشوری زندگی می‌کنیم که مجموع تشکل‌های مردم‌نهاد آن به ۵۰۰ تا هم نمی‌رسد. در صورتی که در کشوری که ۷۸ میلیون نفر جمعیت دارد در نرم جهانی دست کم باید ۴۰ هزار NGO فعال وجود داشته باشد. به همین خاطر است که هدف‌گذاری ما برای برنامه پنج ساله ششم این است که دست کم این رقم را به ۱۰ هزار NGO فعال برسانیم. اگر این اتفاق بیفتد و تغییر رویکرد در سطح کلان صورت گیرد، مسلما ما می‌توانیم به سمت کاهش وابستگی معیشتی به سرزمین برویم. و اگر این اتفاق بیفتد، آنگاه هیچ‌وقت خطر تغییر اقلیم نمی‌تواند برای کاهش درآمد پایدار ایرانیان خیلی جدی باشد.

نگاه

اندر احوالات گرفتن آمار تغییر اقلیم از سازمان محیط زیست

پیچاندن رسانه توسط مسئولان

بهروز مهدیزاده | رسانه در همه جای دنیا رابط بین دولت و عرصه عمومی است و رسالتش تقویت و بهبود هر دو از طریق انتقال واقعیت. حال این واقعیت چه شیرین باشد و چه تلخ باید انتشار یابد تا در آینده بر شیرینی‌اش افزوده و از تلخی‌اش کاسته شود. در این میان دو طرف ماجرا در کشورهای پیشرفته و توسعه‌یافته سعی می‌کنند در یک روند دموکراتیک به روزنامه و روزنامه‌نگار اعتماد کنند و کارکردش را برای توسعه جامعه و سرزمینشان مفید و حضورشان را واجب می‌دانند. اما در کشور خودمان که سال‌هاست حرف از اعتماد به روزنامه‌نگار و رسالتش است ولی هنوز جای خالی آن به شدت احساس می‌شود. حتی در بین مدیران و کارمندان دولت تدبیر و امید که با روی کار آمدنشان امید را در دل اهالی رسانه دوباره زنده کرد. گرفتن اطلاعات و توزیع آن در میان مردم حق روزنامه‌نگار است. در این بین ادارات و سازمان‌های دولتی که این اطلاعات وسیع در مورد همه زوایای کشور را دارند نقش مهمی در ایجاد اطمینان و روند توسعه بازی می‌کنند. یعنی وقتی صحبت از خشکسالی و تغییر اقلیم در ایران است چرا باید اطلاعات و آمار دقیقش را مردم ندانند، چرا باید یک روزنامه‌نگار برای چنین موضوع بسیار مهمی چند روز توسط چند کارمند میانی سازمان محیط‌زیست به‌رغم قول‌های سفت و سختی که می‌دهند سرکار بماند و در انتها با حفظ اصول اخلاقی!!! از دادن آمار و اطلاعات اجتناب کنند. متاسفانه با این که مدیران ادارات دولت تدبیر و امید بر گسترش رابطه و تعامل با رسانه‌ها بارها سخن گفتند اما نتوانستند کارشناسان و مدیران خود در سطوح پایین‌تر را در این امر توجیه کنند که روزنامه‌نگار یا خبرنگار جاسوس یا آدم خرابکار نیست و دادن اطلاعات و مصاحبه کردن با آنها جزو گناهان کبیره محسوب نمی‌شود. ظاهرا به نظر می‌رسد هنوز مدیران و مسئولان از درز کوچکترین خبر یا گزارش در مورد حال و وضع کشور حتی اگر مثل محیط‌زیست یا ورزش زیاد حساس‌برانگیز نباشد ابا دارند. به گفته فعالان و کارشناسان محیط‌زیست، تغییر اقلیم کاملا در ایران محسوس است و اثراتش را ما هر روز داریم مشاهده می‌کنیم. در چنین شرایطی آمار و اطلاعاتی که سازمان محیط‌زیست یا هر سازمان دیگری دارد برای آگاه کردن مردم و بیدار کردن آنها نسبت به این موضوع بسیار سازنده است اما دریغ کردن آن خیانت به مردم و سرزمینی است که در آن زندگی می‌کنند. مسئولان ما خیلی زیبا در همه مصاحبه‌هایشان خود را خدمتگزار مردم می‌دانند اما وقتی پای عمل می‌رسد به مردم و به‌خصوص به اهالی رسانه به‌چشم خرابکار می‌نگرند. به نظر می‌رسد حتی در بین خود کارشناس‌های سازمان محیط‌زیست دغدغه محیط‌زیست و حفظ منابع طبیعی وجود ندارد و این یعنی فاجعه. مدیر و کارمندی که در بخش مخصوص همین موضوع کار می‌کنند و در مورد آلودگی هوا و خیلی مسائل دیگر مصاحبه‌ها انجام می‌دهند نسبت به آگاه کردن مردم با واقعیت‌های این پدیده جهانی آن‌قدر بی‌تفاوت نشان می‌دهند که از دادن آمار و اطلاعات تکمیلی به یک خبرنگار طفره می‌روند. به همین راحتی و به دلایل نامعلوم مردم را از دانستن این که چقدر تغییر اقلیم و گرمایش جهانی بر زندگی‌شان تأثیر گذاشته محروم کردند. همین کسانی که در خارج از محیط اداره به وضع محیط‌زیست انتقاد می‌کنند وقتی وارد این سیستم‌های بروکراتیک می‌شوند به یک مدافع سفت و سخت وضع موجود تبدیل می‌شوند و پیچاندن رسانه و مردم را از وظایف اصلی خود می‌دانند. آیا درست است که یک خبرنگار را که سعی دارد آمار دقیق را به اطلاع مردم برساند تا بلکه با مشارکت آنها بخشی از این فجایع را بسامان برسانند برای چند روز سر دواند و درنهایت هم هیچ آماری به او نداد؟ آیا درست است مردم و نماینده آنها یعنی خبرنگاران را نامحرم دانست؟ آیا درست است مدیریت یک سرزمین را تنها از پشت یک میز اداره کرد؟

آقایان و خانم‌های مسئول از چه می‌ترسید؟

(فرآورده های نفتی سرمایه ملی است)

نوبت اول

فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران
شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران

مناقصه‌گزار: شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران- مدیریت بازرگانی

موضوع مناقصه: خرید تعداد ۲۹ قطعه

APPLICATION SERVER AND DATABASE SERVER

طی تقاضای شماره DSD-92238-TR

تاریخ ، مهلت ، نشانی محل دریافت و تحویل استعلام کیفی مناقصه‌گران :
از کلیه تامین کنندگان مربوطه دعوت می‌گردد حداکثر ظرف مدت دو هفته از تاریخ انتشار آخرین آگهی روزنامه با مراجعه به سایت‌های WWW.IETS.MPORG.IR ، WWW.MONAGHESE.NIOPDC.IR بخش مناقصات ستاد نسبت به تکمیل فرم ارزیابی کیفی مربوط به مناقصه‌گران اقدام و این فرم را به همراه سایر مدارک درخواستی به اداره خریدهای داخلی این شرکت واقع در تهران - خیابان ایرانشهر شمالی - روبه‌روی پارک هنرمندان - جنب خیابان برادران شاداب - پلاک ۱- طبقه دوازدهم تحویل نمایند . تلفن‌های تماس : ۸۸۳۲۷۰۸۵ - ۸۴۱۲۱۰۴۸
تضمین شرکت در مناقصه : ارایه ضمانتنامه معتبر بانکی و یا اصل رسید وجه واریزی مبلغ ۸۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال به حساب این شرکت قابل قبول می‌باشد .

شماره مجوز: ۲۶۴۷۷۱ روابط عمومی شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران

(درست مصرف کنیم تا همیشه مصرف کنیم)

نوبت دوم

آگهی مزایده

جمعیت هلال احمر

جمعیت هلال احمر استان اردبیل در نظر دارد اقلام مستعمل و ضایعات فلزی خود را از طریق مزایده عمومی به فروش برساند. متقاضیان می توانند ظرف یک هفته پس از انتشار دومین نوبت آگهی در همین روزنامه نسبت به بازدید اقلام مورد مزایده و اخذ فرم شرکت در مزایده و ارائه پیشنهادات خود در اوقات اداری به دبیرخانه جمعیت هلال احمر واقع در: خیابان امام خمینی، جنب استادیوم تختی مراجعه فرمایند.

روابط عمومی جمعیت هلال احمر استان اردبیل

www.shahrvand-newspaper.ir